

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Geo strategic

جيو ستراتيک

ایشیا تائمز آنلاین

نویسنده: M K Bhadrakuma

مترجم: همکار پورتال

چین خاموشی خود را در مورد افغانستان

می شکند

در يك محیط خشن و کشنده ای که او زندگی کرد و بقا نمود و سرانجام پیکنگ را به سوی سوسیالیسم با خصوصیات چینی سوق داد، دینگ سیاوپنگ دلایل عمده داشت که محتاط باشد. در خصوص مش بین المللی چین، دینگ مجبور شد که بگوید: “به آرامی ملاحظه کنید؛ موقعیت ما را محفوظ بدارید؛ با حوادث به آرامی برخورد نمائید؛ توانائی و ظرفیت ما را مخفی نگهدارید و در انتظار فرصت باشید؛ در حفظ حالت نیمه تبارز خوب باشید؛ و هرگز ادعای رهبری نکنید”.

بنابراین، چین هیچ گاهی نظر خود را در مورد مشکل افغانستان بیان نکرد. ارگان نشراتی حزب کمونیست چین (CCP)، روز نامه مردم، حالا آن قید را در يك تفسیر مختصر شکستاده است. البته، امروز بحرانی در فضای منطقه ای که افغانستان را در بر گرفته در جریان است که تهدید میکند به سرعت خیره کننده ای مشتعل شود. اما این تنها زمان تفسیر چینی ها را که عنوانش است “آیا تعدیلات در ستراتیژی ضد تروریسم امریکا مثمر ثمر خواهد بود؟” بیان نمیکند.

زمینه طور عالی برای این مناسب است. هلاری کلنتون وزیر خارجه امریکا ملاقات تاریخی خود را در چین به پایان رسانید. پیکنگ طور آشکارا با “درك اطمینان” در روابط چین و امریکا زیر نظر اوباما رئیس جمهور امریکا نفس راحت کشید. حتی بیشتر، پیکنگ شیفته نقل مقوله چینی ها توسط کلنتون شدند که میگویند “وقتیکه در يك کشتی باشیم، یکدیگر را کمک کنیم.” روز های نارام کننده جورج بوش که چین را مسؤول سیستم جهانی میدانست، گذشته است.

افغانستان حتماً موضوع صحبت کلنتن با مقامات چینی بوده است، خصوصاً اینکه دیدار وی با اظهاریه اوباما مبنی بر افزایش قوا در افغانستان مقارن بود.

بهره برداری از مشکلات

هر چند که دو موضوع دیگر موجود است. طوریکه از تصمیم اوباما در تقرر ریچارد هولبروک منحیت نماینده اختصاصی برای افغانستان و پاکستان آشکار میشود، امریکا طور محسوس افزار پالیسی خود را در جنوب آسیا تغییر میدهد. هولبروک برای پیکنگ بیگانه نیست.

بلافاصله بعد از دیدار اخیر هولبروک در منطقه، پیکنگ واضحاً سنجش کرده است که روابط امریکا با هند داخل يك مرحله کیفی دیگری شده که بعضی علامات اصطکاک را نشان میدهد. این برای پیکنگ پاداشی خوبی بود که ازین حالت بهره برداری نموده و فشار بیشتر بر همسایه جنوبی خود وارد کند.

دوم اینکه، وزات خارجه روسیه هفته گذشته (همان وقت) اعلام کرد که دعوت نامه ها را برای کنفرانس تاریخی ۲۷ مارچ سازمان همکاری شانگهای در مورد افغانستان که برای مدت طولانی معطل شده بود، صادر نموده است. وقت برای پیکنگ در حال نزدیک شدن است که به ارتباط مشکل افغانستان موقف اتخاذ نماید. دو پهلوی در لفاقه موعظه پارسائی بیش ازین کافی خواهد بود.

آیا چین حس همبستگی را با روسیه یا مشاهدان سازمان همکاری شانگهای مانند هند و ایران دارد؟ لاکن چین از عهده ای از هم پاشاندن تحرك در حال شكوفائی همکاری با اداره اوباما هم برآمده نمیتواند. و امریکا (جمع متحدینش) کنفرانس سازمان همکاری شانگهای را تحریم میکند.

بنابراین، ما شاید برخی حرکات تعجب آور پیکنگ را در آینده مشاهده کنیم. تفسیر اخبار مردم واقعاً توسعه ماموریت هولبروک که مشکل هند و پاکستان را شامل میگردد، تقاضا نموده است. درست که از کشمیر نام نبرده است، لاکن این تصور را کم باقی میگذارد که کشمیر دقیقاً موضوعی بود که به آن اشاره شد مبنی بر اینکه امریکا بایست در راه حل آن وساطت نموده که پاکستان آنرا "موضوع اصلی" در روابط وخیم خود با هند میدانند.

تفسیر چینی بیان میکند که صرف اعزام قوای بیشتر به افغانستان "اهداف ستراتیژیک" اوباما را برآورده نمیسازد مگر اینکه واشنگتن جنوب آسیا خصوصاً پاکستان و روابط هند و پاکستان را با ثبات سازد. سرمقاله ادامه میدهد:

واضح است که بدون همکاری پاکستان، امریکا در جنگ علیه ترور پیروز شده نمیتواند. ازینرو، برای حفاظت منافعش در جنگ ضد تروریسم، امریکا باید يك محیط پایدار و سالم داخلی و بین المللی را برای پاکستان که تشنج را بین هند و پاکستان سهل سازد، تأمین نماید. به آسانی می فهمیم که چرا اوباما ریچارد هولبروک را منحیث فرستاده اختصاصی خود برای موضوع افغانستان و پاکستان تعیین نموده و چرا هند در اولین سفر هولبروک شامل میگردد. در حقیقت، "مشکل افغانستان" "مشکل پاکستان" و معضله هند - پاکستان "با هم مرتبط اند".

این کلماتی نیست که ماهیت تبصره های فی البدیهه را دارا باشد. و این تبصره های غیر دوستانه به احتمال زیاد در دهلی جدید بدون ملاحظه نخواهد ماند. دیپلمات های هندی تمام مساعی خود را به خرج دادند که فعالیت هولبروک هند را شامل نگرند، اگرچه که عقیده وسیعی در میان متفکرین و نهاد های حاکم در امریکا وجود دارد که اصرار میورزند تا زمانیکه بحران کشمیر لاینحل باقی ماند، تشنج بین هند و پاکستان ادامه خواهد یافت. پیکنگ حالا درین بحث داخل شده است. چین واضحاً از موقف پاکستان حمایت میکند.

دلچسپ اینکه، پیکنگ انگیزه اصلی روحیه ضد امریکائی حاکم در پاکستان را نادیده انگاشته که بیشتر به مداخله امریکا در امور داخلی آن کشور، خصوصاً حمایت امریکا از دکتاتوری های پی در پی نظامی و یا جنگ بیرحمانه در افغانستان تحت رهبری امریکا و صدمه به روان مسلمان مربوط میشود. واقعاً که تفسیر چینی به ارتباط موضوع اصلی اشغال افغانستان توسط اجنبیان خاموش باقی مانده است.

پیکنگ نمیتواند خوش باور باشد که نفرت هند از مداخله طرف سوم در کشمیر به هیچ وجه کمتر از حساسیت چین به ارتباط عقیده جهانی در مورد تبت و سینکیانگ نیست. يك توضیح ممکن میتواند این باشد، پیکنگ دستپاچه است که مبدا هند "ورق تبت" را که در ماه آینده پنجاهمین سال قیام تبت است، بازی نماید.

پیکنگ ناسیونالیست های تبت را به نسبت نزدیکی سالگرد قیام زیر فشار گرفته است. قابل مناقشه اینکه، پیکنگ به هند اخطار میدهد که احتمالاً چین هم از "ورق کشمیر" استفاده خواهد کرد. بنابراین، ستراتیژیست های هندی باید بدقت حدود انگیزه چینی ها را در تقاضا برای میانجیگری امریکا در مناقشات هند و پاکستان به تعقیب ملاقات کلنتون با مقامات چینی مورد ارزیابی قرار بدهند.

جدا از هند، پیکنگ يك قدرت دیگر منطقه یی یعنی روسیه را انتخاب نموده که طور منفی ستراتیژی امریکا را در با ثبات ساختن افغانستان زیر فشار قرار داده است. (اتفاقاً که تفسیر، ایران را در مجموع نادیده گرفته که گویا هیچ عامل اثر در تخته شطرنج افغانی نیست). تفسیر اظهار میدارد، "... امریکا باید متیقن شود که روسیه خوشنود گردد. منطقه آسیای مرکزی که افغانستان نیز در آن واقع است، حویلی عقبی روسیه بود... در لحظاتی که روابط امریکا و روسیه بعد از به قدرت رسیدن اوباما علایم بهبودی را نشان میدهد، عکس العمل روسیه در مقابل افزایش عساکر امریکا در افغانستان قدری ماهرانه است."

پس، اوباما چه کند؟ پیکنگ ارزیابی آتی را دارد: "تصمیم روسیه در نگذاشتن امریکا از کنترل کامل امور افغانستان تا اندازه ای قابل توجه است. طریقی که امریکا در رابطه همکاری و رقابتی خود با روسیه در امور افغانستان می پیماید، توانائی امریکا را در فهم اهداف ستراتیژیکش مورد آزمایش قرار میدهد."

لاکن بعد، چین به موقع طرف ذیعلاقه در دو قضیه متنازع فیه در روابط امروزی امریکا و روسیه است: توسعه پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به سوی آسیای مرکزی و گسترش سیستم دفاع راکتی امریکا. چین از توسعه ناتو در حویلی عقبی خود یعنی آسیای مرکزی نفرت داشته و مخالف سیستم دفاع راکتی امریکا است که توانائی ضربتی نسبتاً نیمه متعارف چین را بی ارزش خواهد ساخت.

لاکن، طوریکه دینگ خواهد گفت، چرا ادعای رهبری مخالف را به این حرکات امریکا داشته باشیم وقتی که مسکو قبلاً يك کار با شکوه انجام میدهد؟

تفسیر روزنامه مردم علاقمندی روسیه در افغانستان را تشخیص میدهد. بدین معنا، که واشنگتن را وادار میسازد تا کنفرانس سازمان همکاری شانگهای را يك نوع دسته بندی چین و روسیه نداند. یکبار دیگر، با اظهار اینکه انسداد پایگاه هوائی ماناس توسط مقامات قرغزی يك قسمت از "بازی ستراتیژی بین امریکا و روسیه" است، روزنامه مردم در نتیجه کنفرانس آینده سازمان همکاری شانگهای را کم بها میسازد. معهذاً، دلیل به راه انداختن

کنفرانس این است که بحران افغانستان امنیت آسیای مرکزی را تهدید میکند. اما تفسیر چینی ها یکبار هم به این موضوع اشاره نمیکند.

خلاصه اینکه، از تصمیم روسیه به ارتباط مخالفت به انحصار امریکا در قضیه افغانستان، چه به دست می آید، چین در چنین محاسبه کشانیده نخواهد شد. طوریکه دینگ میگوید، چین به آرامی نظارت خواهد کرد و نقش کمرخ و نیم بند را نگه خواهد داشت. معهذا، روسیه راه خود را با قوت به سوی خاک افغان می گشاید و موفق هم میشود که نه تنها سازمان همکاری شانگهای بلکه همچنان چین هم از آن مستفید میگردد. از جانب دیگر، اگر امریکا مانع روسیه شود، این به حیثیت روسیه نه چین ضربه خواهد زد.

آیا چین از تکان های جدید در روابط امریکا و روسیه آزاده خاطر میگردد؟ برای مسکو دلیلی موجود است که بداند چرا روزنامه مردم در چنین موقع حساس که اداره اوباما تصمیم گرفته که از مسدود شدن میدان پایگاه هوایی ماناس عاملی در روابط امریکا و روسیه نسازد، در مورد نیت مسکو به نسبت نفوذ امریکا در آسیای مرکزی تماس گرفته است. مسکو اینرا ناراحت کننده خواهد یافت که منحیت مخرب در ستراتژی اوباما در افغانستان شناخته شود.

تماس با اسلامیت ها

چیزیکه واقعاً خارق العاده در باره تفسیر چینی ها معلوم میشود، اشاره غیر مستقیم به مسأله اساسی طالبان است. علایم موجود است که پیکنگ در گنجاندن طالبان در ساختار قدرت در افغانستان برای راه حل سیاسی کدام مشکلی ندارد. دلچسپ اینکه، تفسیر به امریکا توصیه میکند که نسبت به شرایط واقعی افغانستان واقعی بین باشد. تفسیر همچنان صدای خود را در حمایت ازین استدلال که افغانستان تقریباً هیچگونه پیش درامدی برای حیات نوین ندارد، بلند میکند. به علاوه، **تفسیر پیشنهاد میکند که افغانستان نمیتواند یک کشور واحد باشد.**

این تبصره ها بایست در روشنی طرز دیدی مشاهده شود که در حلقه های با نفوذ امریکا و برتانیه یعنی تقرب از “پائین به بالا” که پخش قدرت دولتی به مفاد رهبری محلی را در برمیگیرد، ممکن است جوابی برای مشکلات افغانستان باشد که بهترین راه برای داخل ساختن طالبان در ساختار قدرت در مناطق پشتون خواهد بود.

حزن کمونیست چین از يك هیأت با نفوذ جماعت اسلامی پاکستان دعوت نمود تا به چین سفر نماید. در اثنای دیدار يك هفته ئی، هر دو جانب يك یادداشت تفاهم را که چهار اصل روابط چین و پاکستان را تصریح میکند، امضا نمودند که شامل اسقلال، تساوی، احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی يك دیگر بود.

درین ضمن جماعت اسلامی از حمایت خود به وحدت جغرافیائی و ملی چین اطمینان داد و از موقف چین نسبت به تایوان، سینکیانگ و تبت پشتیبانی نمود. پیکنگ با اقدام بالمثل “موقف اصلی” خود را در مورد کشمیر تکرار نمود و خاطر نشان ساخت که همکاری اساسی چین ادامه خواهد یافت.

سوسیالسیم - حتی با خواص چینی - نمیتواند به آسانی با اسلام مخلوط شود. دیگر راهی نیست که همکاری حزب کمونیست چین با رهبران حزب اسلامی پاکستان را توضیح دهد به استثنای اینکه اینرا يك معامله عقب پرده به ارتباط صعود نیرو های تندروان اسلامی در منطقه بنامیم.

روزنامه مردم می پذیرد که نتیجه افزایش قوا در افغانستان نامعلوم است. “اخبار” ملاحظه میکند که امریکا به سوی مصالحه با طالبان معتدل روان است، در غیر آن رئیس جمهور کرزی جرأت به پیگیری نمیکرد. تفسیر “اخبار” از چنین طرز تفکری یعنی تبارز “قدرت هوش” که مکرراً توسط کلنتون به آن اشاره میشود، ستایش می کند. یعنی در اثناییکه افزایش قوای امریکا يك “اقدام شدید” است، روش هائی مانند کمک به حکومت افغانستان که نظام خود را برای با ثبات ساختن تدریجی کشور تحکیم بخشد، “روش نرم” خواهد بود.

مع الوصف، پیکنگ آگاه است که افغانستان در تقاطع ابروشیا واقع بوده و به این اساس اجندای امریکا میتواند ستراتیك باشد. حینیکه در هم کوبیدن القاعده واقعاً يك هدف است، ستراتژی واشنگتن همچنان همکاری ناتو و متحدین را افزایش داده که اولین ماموریت نظامی بیرون از اروپای ناتو را تضمین میکند. که ناکام نشود. به نوبه، این امریکا را قادر خواهد ساخت که موقف رهبری خود را میان متحدین بلند برده و حضور خود را در قلب ابروشیا با وسایل دست داشته تحکیم می بخشد.

معلوم میشود که چین هیچ پرابلمی با چنین اجندا ندارد. چین “طرفیت خود را پنهان میکند” با نقل از دینگ - حتی حینیکه امریکا و روسیه تصادم نمایند و يك دیگر را نفی کنند و سر انجام در فرسودگی و خستگی بیفتند. افغانستان به “قبرستان امپراطوری ها” معروف است. بنابراین، چین باید خود را به تأمین موقعیتش متمرکز ساخته و در انتظار فرصت باقی ماند - ستراتژی که دینگ احتمالاً از آن تقدیر میکرد.

یادداشت مترجم:

۱- به خاطر حفظ اصالت نوشته، کوشش به عمل آمد، تا با همان زبان دشوار نویسنده، مقاله اش ترجمه شود. امیداست خوانندگان ارجمند پورتال “افغانستان آزاد - آزاد افغانستان” از این بابت بر این قلم ناراحت نباشند.

۲- بعد از مطالعه مقاله در پورتال، به خاطر افشای طرز دید آزمندانه چینائی ها، وبازی هائیکه در پشت پرده بر حیات وبقای کشور ما در جریان است، به این ترجمه دست یازیدم ورنه با صراحت باید نوشت که با تحلیل نویسنده در قبال تحولات داخلی چین هیچ گونه توافقی نداشته، رژیم فعلی چین را نیز چیزی به غیر از اتحاد شوروی سالهای ۶۰ میلادی نمیدانم.

۳- جمله " تفسیر پیشنهاد میکند که افغانستان نمیتواند يك کشور واحد باشد. " را بدان علت برجسته ساختم تا تمام آنهائی که به خاطر حفظ وحدت وتمامیت ارضی افغانستان قلم می زنند ، به عمق توطئه پی برده دشمنان وحدت کشور ما را در هر لباسی که ملبس باشند، تشخیص وبا آنها قطع همکاری نمایند. این دشمنان تمام آنهائی را شامل اند که به شکلی از اشکال تنور جنگ وافتراق بین اقوام ومذاهب کشور را داغ نگهداشته، با هیزم تفرقه انرا داغتر می سازند.